



روسیه، چین، برزیل و هند مخالف استراتژی آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران

چهار تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به مواضع روسای دولت‌های روسیه، چین، برزیل و هند درباره برنامه هسته‌ای ایران نوشتند: هر چند اوپاما سعی کرد در اجلاس هسته‌ای واشنگتن روسای این کشورها را در برابر ایران همسو با خود نشان دهد اما مواضع روسای این دولت‌ها خلاف این را نشان می‌دهد...

چهار تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به مواضع روسای دولت‌های روسیه، چین، برزیل و هند درباره برنامه هسته‌ای ایران نوشتند: هر چند اوپاما سعی کرد در اجلاس هسته‌ای واشنگتن روسای این کشورها را در برابر ایران همسو با خود نشان دهد اما مواضع روسای این دولت‌ها خلاف این را نشان می‌دهد.

به گزارش فارس، پایگاه اینترنتی بنیاد "هریٹیج" (Heritage) در مقاله‌ای به قلم گروهی از نویسندگان به نام‌های "دکتر آرل کوهن" (Ariel Cohen, Ph.D)، کارشناس مسائل روسیه و امور مربوط به انرژی، "لیزا کورتیس" (Lisa Curtis)، کارشناس مسائل جنوب آسیا، "دکتر درک سیزورز" (Derek Scissors, Ph.D)، کارشناس سیاست‌های اقتصادی مربوط به آسیا و "دکتر ری والس" (Ray Walser, Ph.D)، کارشناس مسائل سیاسی آمریکایی لاتین تصریح کرد: در پانزدهم و شانزدهم آوریل سال جاری، شهر برازیلیا پایتخت برزیل میزبان اجلاس سران چهار کشور برزیل، روسیه، هندوستان و چین بود. این گروه از کشورها به اختصار "BRIC" خوانده می‌شوند. از سال 2001 که اقتصاددانی به نام "جیم اونیل" (Jim O'Neill) به استخدام BRIC درآمد تا به دستیابی این کشورها به بازارهای فروش بیشتر کمک کند. جهان برخورد سرسختانه‌ای با BRIC داشته است. در بخش اول این مقاله به تفاوت‌های این چهار کشور و دلایل آنها برای ائتلاف پرداخته شد و در اینجا بخش دوم مقاله را از نظر می‌گذرانیم.

به رغم روسیه و چین، دولت برزیل دارای ریشه‌های دموکراتیک بوده و کمترین دسترسی به جهان و کمترین قوای نظامی را در میان اعضای BRIC به خود اختصاص داده است. رئیس‌جمهور چپ‌گرای این کشور طرح‌های اقتصادی بزرگی را پیاده کرده اما امسال باید کرسی ریاست جمهوری را ترک کند. او امیدوار است که افزایش نقش بین‌المللی برزیل از جمله میراث دولت وی باشد و تمایل دارد تا کشورش به یک کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد دست یافته و نفوذ این کشور در آمریکای لاتین گسترش یابد. برزیل به عنوان یک عضو گروه BRIC خواهان دستیابی به نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک در سطح جهان است. به علاوه، نگرانی‌های امنیتی دیرپایی نیز میان اعضای BRIC وجود دارد که می‌تواند منجر به ایجاد شکاف در میان اعضای این گروه شود. از جمله این نگرانی‌ها اختلافات مرزی چین و هند و اتکای هند به روسیه از نظر نظامی جهت جبران کمبودهای خود در برابر چین و همچنین هراس روسیه از هجوم مهاجرین چینی به مناطق کم‌جمعیت شرقی این کشور است.

* دنیای چندقطبی منجر به افزایش امنیت بین‌المللی می‌شود

بر اساس مقاله فوق، اخیراً یک سخنگوی وزارت خارجه روسیه از BRIC به مثابه عاملی پایدارکننده یاد کرده و افزوده است که "BRIC ستونی مستحکم در شکل‌گیری جهانی چندقطبی، عادلانه و دموکراتیک است. " متأسفانه، این ادبیات یعنی خواستار تغییر در نظم جهانی شدن، به پوششی برای رهبرانی بدل شده است که ضدغرب، ضد آمریکا و ضد دموکراسی هستند. رهبران ضد آمریکایی جهان از قبیل "رابرت موگابه" زیمباوهای، "هوگو چاوز" ونزوئلایی و ... همواره تمایل خود را برای شکل‌گیری یک جهان چندقطبی در راستای از میان برداشتن نفوذ آمریکا اعلام کرده‌اند. اعلام به وجود آمدن یک نظم جهانی با مرکزیت BRIC تنها به ادبیات چنین رهبرانی کمک خواهد کرد.

* آیا BRIC می‌تواند به محدود ساختن برنامه هسته‌ای ایران کمک کند؟

در اجلاس اخیر امنیت هسته‌ای برگزار شده در آمریکا، دولت اوپاما تلاش کرد تا نشان دهد که شرکت‌کنندگانی همچون چین و روسیه مایلند که در مسیر افزایش تحریم‌های ایران با ایالات متحده همکاری کنند. خارج از مدار جاذبه اوپاما، مقامات چینی از جمله هو جین تائو بارها اظهار داشته‌اند که به گفتگو و مذاکره با ایران پایبندند و این موضع نشانگر آن است که آنها تمایلی به انجام هیچ کاری از آن دست که آمریکایی‌ها می‌خواهند، ندارند. همکاری روسیه در زمینه‌های هسته‌ای و موشکی با ایران همچنان در مسیر برنامه هسته‌ای این کشور حیاتی به شمار می‌رود و سینگ، نخست‌وزیر هند نیز اظهار داشته است که تحریم تنها به طبقات ضعیف جامعه ایران آسیب می‌زند. در واشنگتن رئیس‌جمهوری برزیل نیز از حق ایران حتی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای حمایت کرده و اعلام داشت که نظر به مسلح بودن رژیم صهیونیستی و پاکستان به این نوع تسلیحات باید نگرانی‌های امنیتی ایران را درک کرد. وی قرار است که در ماه می از تهران دیدن کند. در نتیجه به نظر می‌رسد که وقتی پای برنامه هسته‌ای ایران در میان باشد، رهبران BRIC حمایت دیپلماتیک مورد نیاز آمریکایی‌ها را از خود بروز نخواهند داد.

* آمریکا از اقدامات BRIC منتفع نخواهد شد

نویسندگان مقاله تصریح می‌کنند: هر چند که خرید مواد خام از سوی چین منجر به افزایش رشد اقتصادی کشورهای آمریکایی لاتین شده است اما این کشورها همچنان با کمبود سرمایه‌گذاری مواجه بوده و ظرفیت این منطقه در راستای کاهش وابستگی به صادرات

مواد خام کاهش یافته است و صنایع داخلی این کشورها نیز عموماً توان رقابت با کالاهای چینی را ندارند. چین به برادران کاسترو در کوبا کمک می‌کند تا حکومت کمونیستی خود را سرپا نگه دارند و در راستای حمایت از "انحصارطلبی پوپولیستی" همکاری نزدیکی با چاوز در ونزوئلا و مورالس در بولیوی دارد.

روابط روسیه با ونزوئلا نیز که اکنون بیشتر بر حوزه انرژی، تسلیحات و انرژی هسته‌ای متمرکز شده است باید نگرانی واشنگتن را برانگیزد چرا که می‌تواند منجر به ناامنی منطقه‌ای و افزایش فروش تسلیحات شود. از نقطه نظر منافع و نفوذ آمریکا، عملکرد چین و روسیه به نفع نیمکره غربی نیست.

* واکنش کارآمد

در پاسخ به چالش آمریکا با BRIC، نویسندگان مقاله توصیه‌های زیر را خطاب به دولت اوپاما و کنگره آمریکا ارائه کرده‌اند: &8226#؛ آمریکا باید با هر یک از دول عضو BRIC به صورت دوجانبه وارد همکاری شود تا حمایت ایشان را برای افزایش تحریم‌ها علیه ایران جلب کرده و به ایشان یادآوری کند که این حمایت به آزمایش تورنسل برای روابط این کشورها با آمریکا شبیه بوده و برای صلح و امنیت جهانی ضروری است.

&8226#؛ آمریکا باید باور کند که کشورهای عضو BRIC در حال سرمایه‌گذاری زیاد بر روی دیپلماسی عمومی خود هستند. لازم است که آمریکا نیز تلاش خود را در این مسیر افزایش داده و سطح آگاهی خود در خصوص BRIC را بالا ببرد.

&8226#؛ آمریکا باید به اصول خود بازگشته و از رقابت اقتصادی و قراردادهای تجارت آزاد حمایت کند. BRIC در حال تجمیع قوای اقتصادی است و این در حالی است که دولت اوپاما با کسری بودجه، قوانین دست و پا گیر فدرال و سیستم تجاری تنبل مواجه است. دولت اوپاما یک راهبرد درست برای رشد اقتصادی در عین امنیت به مردم آمریکا بدهکار است.

* تمرین صحنه‌سازی

نویسندگان در پایان آورده‌اند: رهبران BRIC در عین دلوپسی نسبت به کنار هم قرار دادن قوای اقتصادی و سیاسی خود، قصد دارند که در برازیلیا اقدام به یک صحنه‌سازی بین‌المللی کنند، حال آنکه ایشان مدت‌هاست که در کشورهای خویش به صحنه‌سازی اشتغال دارند. در مقابل، آمریکا نیز باید قدرت ایشان را به رسمیت شناخته و آماده مواجهه با چالش‌های آتی باشد. مردم آمریکا نمی‌توانند با چشمان بسته رهبری خویش را در مسائلی همچون تجارت، دموکراسی و سلاح‌های هسته‌ای ایران از دست بدهند!